



می‌کردیم و در یک منطقه‌ای به شعاع ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر دیده‌بان می‌چیدیم، اما هیچ‌گاه محل اصابت را پیدا نمی‌کردیم؛ ولی این نتایج که پرتعداد اتفاق افتاد، کسی را مأیوس نکرد؛ اما امروز بچه‌ها می‌روند نگاه می‌کنند می‌بینند محل اصابت موشک که یک گودال ده تا پانزده متری به عمق هفت، هشت، ده متری را ایجاد کرده، دقیقاً مرکز آن گودال نقطه صفر مختصات ماست.

ایشان یک بار برنامه‌ریزی کرد تا به برد ۲۰۰۰ کیلومتر برسیم و بعد برگشتیم و خلأهای بین این برد را به لحاظ کمی و کیفی برطرف کردیم. بعدها آمدیم گفتیم خب ما یک موشک ۸۰۰ کیلومتر هم نیاز داریم برای اهداف آمریکایی، ولی نه دیگر با مشخصات و ابعاد و اندازه بزرگ. گفتیم ابعاد باید شهاب یک باشد ولی برد به جای ۳۰۰ باید بشود ۸۰۰. ایشان اعتقادش این بود که اگر چیزی از خارج بخریم و بیاوریم، دیگر نمی‌شود مطابق نیاز توسعه‌اش داد. ولی اگر خودمان کاری را انجام دهیم، به تدریج می‌توانیم توسعه‌اش بدهیم و کامل‌ترش کنیم. [۸]

آهن قراضه؛ فرایند دستیابی به موشک بالستیک

با شهید طهرانی مقدم به دنبال راهی برای غلبه بر ناوهای جنگی و هواپیما بر دشمن در خلیج فارس بودیم؛ این موضوع برای ما یک معما بود که حل آن می‌توانست انقلابی عظیم برای قدرت دفاعی ما ایجاد کند. ما آن زمان برای درهم شکستن شناورها در دریا، به موشک‌های کروز دست یافته بودیم ولی این برای ما کافی نبود. ما باید راهی پیدا می‌کردیم که بتوانیم موشک‌های بالستیک [۱۰] را بسازیم. آن موشک‌ها با سرعتی چند برابر سرعت صوت به زمین نزدیک می‌شوند و قدرت تخریب بسیار بالایی دارند.

شروع به طراحی کردیم. دستیابی به تمام زنجیره این توانمندی از نظر ما ناممکن به نظر می‌رسید. چندین بار آزمون و خطا کردیم. هر بار آزمایش‌ها با ناکامی روبه‌رو می‌شد؛ اما بچه‌ها که تحت مدیریت شهید طهرانی مقدم بودند، هرگز ناامید نمی‌شدند تا اینکه در یک روز تاریخی که شیرین‌ترین روز زندگی ما بود، توانستیم به هدفمان برسیم.

آن روز در بیابان آزمایشی را انجام دادیم که در قلیمان زیاد به آن امیدوار نبودیم. ما می‌خواستیم از بیابان هدفی را در دریا هدف قرار دهیم. پس از پرتاب موشک، به وسیله

می‌گفت ما باید موشکی داشته باشیم که بتوانیم اسرائیل را بزنیم. در آن روزها با فشاری که به صنایع آوردیم، اولین موشک‌های «اسرائیل زن» ما مثلاً در حد ۱۱۰۰ کیلومتر بیشتر برد نداشت و باید آن را به مرز گیلانغرب می‌بردیم تا می‌توانستیم اسرائیل را بزنیم. هدف‌گذاری ایشان این بود که ما باید به برد دو هزار کیلومتر برسیم. اعتقاد داشت رژیم صهیونیستی دشمن ماست و روزی ممکن است ما درگیر بشویم؛ بنابراین با توجه به اینکه هم مرز نیستیم، به موشکی با این بعد مسافت نیاز داریم تا بتوانیم اسرائیل را به صورت مستقیم مورد هدف قرار دهیم. بعدها توانستیم برد این را به ۱۳۵۰ کیلومتر و ۱۶۵۰ برسانیم. ما کارمان را از کجا شروع کردیم؟ ما ماکت می‌ساختیم، شلیک

